

سخنی چند درباره دیوان منوچهری دامغانی به تصحیح حبیب یغمایی

راضیه آبادیان

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
Razie.abadian@yahoo.com

آل داود: ۱۳۹۲ش) و تصحیح سعید شیری (در ۱۳۹۵ش) است.



این نوشته معرفی و نقد دیوان منوچهری دامغانی به تصحیح حبیب یغمایی است که در سال ۱۳۹۲ «به کوشش و مقدمه» سیدعلی آل داود توسط انتشارات بنیاد موقوفات محمود افشار به چاپ رسیده است. اما جز معرفی کلی اثر، کوشش نگارنده بر آن است که به سنجش روش کار مصحح و گردآورنده در این اثر توجه داشته باشد و به هیچ روی بر آن نیست تا به داوری در مورد درستی یا نادرستی ضبط ابیات پردازد؛ چه، اشکالات متنی این تصحیح به حدی است که در جستار مستقل مفصلی باید بدان پرداخت.

تصحیح دیوان توسط شادروان یغمایی در ۱۳۲۵ش به پایان رسیده بود، اما ظاهراً ایشان پس از چاپ دیوان به تصحیح دکتر دبیرسیاقتی در ۱۳۲۶ش، از چاپ متن تصحیح شده خود منصرف گشته اند؛ تا اینکه پس از چند ده سال آقای آل داود آن تصحیح را به همراه مقابله دو دستنویس دیگر به چاپ رساندند.

توضیحی در معرفی این اثر و نقدی بر آن این چاپ دارای دو مقدمه است؛ مقدمه نخستین از آقای آل داود است و مقدمه دیگر به طبع از شادروان حبیب یغمایی. در مقدمه نخستین، آل داود ضمن توضیحاتی کوتاه و گزیده در

منوچهری دامغانی. دیوان منوچهری دامغانی. به تصحیح حبیب یغمایی. به کوشش و مقدمه سید علی آل داود. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۹۲.

پیشگفتار

تا کنون چندین چاپ از دیوان منوچهری در ایران و خارج از ایران به طبع رسیده است؛ نخستین کسی که به جد به این کار اهتمام ورزیده، رضاقلی خان هدایت طبرستانی است که بر اساس دستنویس هایی که در اختیار داشته به گردآوری اشعار و تصحیح دیوان منوچهری دامغانی دست یازیده است و ظاهراً در سال ۱۲۸۵ق نسخه ای از آن را به همراه مقدمه ای که بر آن نگاشته بوده، به خط عباسعلی تفرشی، به صورت سنگی به چاپ رسانده است. پس از آن چندین چاپ سنگی دیگر نیز در تهران به طبع رسید که همگی مقدمه هدایت بر دیوان را در بر داشتند؛ چاپ های ۱۲۹۵ق، ۱۲۹۷ق، و ۱۳۰۱ق. نیز چاپ ۱۳۰۳ق/۱۸۸۶م کازیمیرسکی خاورشناس در پاریس در بردارنده همین مقدمه از هدایت است.

افزون بر اینها چاپ های دیگری از دیوان منوچهری در تهران به طبع رسیده است که مهم ترین آنها چاپ محمدحسین نهایندی (در ۱۳۱۸ش)، چاپ دکتر محمد دبیرسیاقتی (چاپ اول: ۱۳۲۶ش)، چاپ دکتر برات زنجانی (در ۱۳۸۷ش)، تصحیح شادروان حبیب یغمایی (پایان کار: ۱۳۲۵ش، چاپ به کوشش

مورد زندگی منوچهری، توضیحاتی در مورد «نسخه‌های خطی دیوان منوچهری» و «چاپ‌های دیوان منوچهری» و از جمله تصحیح حبیب یغمایی آورده است. در بخش «نسخه‌های خطی دیوان منوچهری»، نویسنده از وجود «بالغ بر ۱۲۵ نسخه» از دیوان منوچهری در کتابخانه‌های داخل و خارج از ایران خبر داده است (منوچهری، ۱۳۹۲: ۸). به نوشته او، «همگی [دستنویس‌های برجای مانده از دیوان منوچهری] متعلق به قرن ۱۲ و ۱۳ هجری است و فقط یکی دو نسخه آن در قرن ۱۱ کتابت شده است» (همان: ۷). به همین سبب وی به معرفی کوتاه سه دستنویس کهن تر از این دیوان پرداخته است.

دستنویس اول، دستنویس شماره ۴۶۶۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است، با تاریخ کتابت ۱۰۱۰ق. با اینکه این دستنویس کهن‌ترین دستنویسی است که در این چاپ بدان اشاره شده و نه یغمایی و نه دکتر دبیرسیاقتی هیچ کدام در تصحیح خود از آن بهره نبرده‌اند، و با آنکه دستیابی بدان بسیار آسان است، آل داود از آن استفاده‌ای نکرده و تنها به جمله «نگارنده تا کنون موفق به دیدن این دستنویس نشده است» (همان: ۸) بسنده کرده است و برای آنکه، به گفته خود، «تا حدی آن (چاپ شادروان یغمایی) را کامل کرده باشد» (همان: ۱۴) دو دستنویس نه چندان ارزشمند موجود در کتابخانه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی را مقابله کرده و به دستنویس‌های این تصحیح افزوده است.

دومین دستنویس از قدیم‌ترین دستنویس‌های موجود از دیوان منوچهری (به نوشته آل داود)، دستنویس شماره ۵۰۰۴ کتابخانه ملک است که حبیب یغمایی در تصحیح خود از آن بهره برده است. تاریخ کتابت این نسخه «شهر ربیع الاول سنه احدى عشر و الف» (= ۱۰۱۱ق) می‌باشد که یغمایی به درستی به این تاریخ اشاره کرده است (نک. همان: ۲۷، بانوس)؛ اما آل داود بی توجه به انجامه این دستنویس و حتی توضیح یغمایی در همین چاپ، ظاهراً با اعتماد به نوشته فهرست نگاران که در این زمینه دچار اشتباه شده‌اند، تاریخ ۱۰۱۵ق را برای کتابت آن ذکر کرده است (همان: ۸).

دستنویس سوم دستنویسی با تاریخ کتابت ۱۰۵۱ق است که شادروان یغمایی استفاده‌ای از آن نکرده، اما دکتر دبیرسیاقتی از آن در چاپ خود ظاهراً با نام اختصاری «عد» بهره برده است. با این حال در روند «کامل» شدن تصحیح مرحوم یغمایی، از

این دستنویس نیز هیچ استفاده‌ای نشده است. ظاهراً علت این امر باید گم شدن این دستنویس باشد. اگرچه گردآورنده اشاره‌ای به نبود این دستنویس در حال حاضر نکرده، اما از جمله «ظاهراً در کتابخانه دهخدا نگهداری می‌شود» (همانجا) می‌توان دریافت که ایشان به این دستنویس دست نیافته است. وی در پایان این بخش، به چهار دستنویس موجود در کتابخانه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی با تاریخ‌های کتابت ۱۲۶۰، ۱۲۶۴، ۱۲۷۱ و ۱۲۷۵ق اشاره کرده و در آخر نوشته است:

دو نسخه از دستنویس‌های موجود در دایرةالمعارف در تصحیح دیوان حاضر مورد استفاده قرار گرفته که در اینجا با تفصیل بیشتر معرفی می‌شوند. (همان: ۹-۱۰)

اما دو دستنویسی که ایشان معرفی کرده و در تصحیح به کار برده‌اند، دو تصحیح با تاریخ‌های کتابت متأخرتر است؛ اگرچه این تأخر حدود ۸ تا ۱۵ سال است، اما پرسشی که پیش می‌آید این است که چرا این دو دستنویس از میان این چهار دستنویس برگزیده شده‌اند؟ نویسنده هیچ توضیحی در باب برتری این دو دستنویس نسبت به آن دوی دیگر نیاورده است. جز این، ایراد دیگری که می‌توان بر این کار وارد کرد این است که اصلاً چرا از میان «بالغ بر ۱۲۵ نسخه» موجود از دیوان منوچهری، به این چهار دستنویس توجه شده است و چرا دستنویس‌های معتبرتر یا با قدمت بیشتر مورد توجه قرار نگرفته‌اند؟ آیا علت این امر چیزی جز دسترسی آسان گردآورنده به این دو دستنویس بوده است؟ مقابله این دو دستنویس و افزودن آن به چاپ یغمایی آیا بر ارزش کار یغمایی افزوده است؟ شاید بهتر آن می‌بود که گردآورنده نسخ مورد استفاده مصحح را می‌یافت و به گزارش کامل و دقیق اختلاف نسخ در این اثر می‌پرداخت و از این لحاظ کار ایشان را ارزشمندتر و سودمندتر می‌ساخت، و یا دست کم بد نمی‌بود اگر اختلافات ضبط بهترین چاپ موجود از این دیوان، یعنی چاپ دکتر دبیرسیاقتی را به این اثر می‌افزود. در پایان بخش «نسخه‌های خطی دیوان منوچهری» در مورد نادرستی انتساب ۴ شعر به منوچهری می‌خوانیم «طبق تحقیق دکتر دبیرسیاقتی» این اشعار از شاعران دیگری است (همان: ۱۰-۱۱). اما طبق نوشته خود دکتر دبیرسیاقتی، تحقیق پیرامون سه شعر از میان این ۴ شعر، توسط دکتر معین، شادروان

بأسش چون نسج عنكبوت کندرو
(ص ۶۲)
درست: کندرو.

همه به کردن خیرست مرو را همت
همه به دادن مالست مرو را وسواس
(ص ۱۰۳)
درست: مرو را... مرو را.

شراب او سراب و جامش او دیه
و نقل او حجاره و حصای او
(ص ۱۴۲)
درست: او دیه.

خلیج مغربی هزیمتی شود
وگرنه جود او شود سقای او
(ص ۱۴۳)

درست: وگرنه... شود... (= وگرنه نشود؛ با توجه به توضیحی که مصحح در باورقی داده، روشن می شود که بیت را درست خوانده بوده است).

ز شکر اوست مروه و صفای من
ز فضل اوست مروه و صفای من
(ص ۱۴۳)
درست: او.

زیرا که حدیث تو به ده راه نماید
گفتا جز از تو نبرد راه سوی ده
(ص ۱۴۵)
درست: گفتار.

توبه قلب لشکر اندر خون انگوران بدمست
ساقیان بر میسره خنیاگران بر میمنه
(ص ۱۵۱)
درست: بدست.

امروز کیا بوسه دهد بر لب دریا
کردست شهنشاه بدویافت رهایی
(ص ۱۵۳)
درست: کز دست.

امروز مرائی مرشد و گشته است سبکدل
سالار سبکدل نشود میرمرائی
(ص ۱۵۳)
درست: شد.

ملک الشعرا بهار و رضا قلی خان هدایت انجام گرفته و ایشان در بخش «شعرهای منسوب به منوچهری دامغانی» در چاپ خود، با ذکر منبع، ناقل تحقیقات این افراد بوده است (نک. منوچهری، ۱۳۸۱: ۲۱۵-۲۱۶). در مورد یک شعر دیگر (با مطلع: ای پیکر منور محروم خون چکان) باید گفت که اگرچه دکتر دبیرسیاقی اشاره ای به منبع خود نکرده اند، در بسیاری از دستنویس های دیوان منوچهری و نیز در چندین دستنویس مورد استفاده ایشان، در حاشیه برگ ها، به قلم افراد مختلف نوشته شده است که قصیده از آن خواجوی کرمانی است و نه منوچهری، و بی گمان این کشف توسط دکتر دبیرسیاقی صورت نگرفته است (برای نمونه نک. توضیحات ملک الشعرا بهار در حاشیه برگ ۱۲۱ از دستنویس شماره ۲/۲۶۷۴ کتابخانه مجلس).

در مقدمه دیگر که به قلم خود یغمایی است، در مورد زندگی منوچهری و نام، کنیت، لقب و زادگاه او و نیز اخلاق و معلوماتش، اطلاعاتی برگرفته از منابع کهن تر و یا اشعار وی آمده است. در همین مقدمه یغمایی توضیح داده است که در تصحیح این اثر جز دستنویس های چاپی از دیوان منوچهری از سه دستنویس خطی هم بهره برده است. اما متأسفانه به هیچ یک از آنها به صورت دقیق، آنطور که به راحتی قابل شناسایی باشند، اشاره نشده است. اشکال دیگری که به کار یغمایی می توان گرفت این است که با وجود آنکه تعداد دستنویس های مورد استفاده اش در این تصحیح بسیار کم بوده، از آوردن اختلاف کامل نسخ پرهیز کرده و تنها آنچه را که از دید وی «مفید به نظر می آمد» در زیر صفحات آورده است (منوچهری، ۱۳۹۲: ۲۷). نیز در حاشیه یکی از نسخی که ایشان مورد استفاده قرار داده اند (نسخه خطی مرحوم علی عبدالرسولی) نسخه بدل ها و نکات و توضیحات در خوری آمده که بسیار به جا می بود اگر در پانویس صفحات بدانها اشاره می شد، یا اینکه گردآورنده در هنگام چاپ به پانویس صفحات می افزود.

همچنین جز اشکالاتی در تصحیح، که به مصحح وارد است و در این مقاله بنا نیست بدان پرداخته شود، اغلاطی در حروف چینی و چاپ، یا خوانش نادرست متن و در نتیجه نشانه گذاری های اشتباه در این اثر وجود دارد که تشخیص و تصحیح آنها بر عهده گردآورنده بوده است. از میان این موارد در اینجا برای نمونه به چند مورد به اختصار اشاره می شود:

زان جانب خویش ننگرد زینسو
از ننگ حقارت وز بی‌قدری
(ص ۱۶۳)
درست: وز.

فی‌المثل ماوراء عبادان قریه (ص ۱۶۶، پانویس)

درست: ما وراء.

برجاس او پسر بر، گه باز و گه فراز
چون خادمی که سجده برد پیش شاه ری
(ص ۱۶۷)
درست: پسر.

باد علمدار شد ابر علم شد سیاه
برق چنان چون ز رز یک دو طراز علم
(ص ۱۱۷)
درست: زر.

علی‌بن براهیم از شهر موصل
بیامد به بغداد در شعرخوانی
(ص ۱۷۴)
درست: علی بن.

طاهری گوهرنژادی از نژاد طاهری
عزم او عزم و کمال او کمال و رای او رای
(ص ۱۷۶)
درست: رای رای.

وان قلم بین در بتانش چون یکی معشوقه‌ای
دایه‌ای در پرور و دوشیزه‌ای یاقوت‌زای
(ص ۱۷۷)
درست: بنانش.

تباوار عاقبت و انجام کار باشد (ص ۲۰۱، حاشیه ۷)

درست: بتاوار.

یار سمن بردهد بوسه بر اندام تو
(ص ۲۱۶)
درست: سمنبر دهد

درگذر آن تیردل شکاف ز سندان
(ص ۲۲۳)
درست: تیر دل شکاف

در پایان متن، پیش از آمدن فهرست‌ها، «اختلاف نسخه‌ها» آمده است؛ اما متأسفانه روش نادرستی که برای ارائه این اختلافات برگزیده شده است، موجب دشواری کار برای خواننده می‌شود. در آغاز، اختلاف ضبط‌های نسخه A، که یکی از دو نسخه موجود در کتابخانه دایرةالمعارف است، آمده و پس از پایان آن، اختلافات نسخه B، دومین دستنویسی که گردآورنده از میان ۴ دستنویس کتابخانه پیش گفته برگزیده، درج شده است! پس از این دو، اختلاف ضبط یک قصیده در جنگی مربوط به سده هفتم محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ارائه شده است. درست آن بود که تمام اختلافات یک بیت، در کنار شماره همان بیت در پایان متن و یاد در پانویس صفحه‌ای که بیت در آن چاپ شده است جای می‌گرفت؛ همان کاری که یغمایی در معدود مواردی که به اختلاف نسخ اشاره کرده، انجام داده است.

پس از این بخش، «فهرست‌ها» آمده که دربردارنده این چند فهرست است: فهرست اصطلاحات و واژه‌های نادر و ناشناخته، فهرست نام‌های کسان، فهرست نام‌های جغرافیایی، اصطلاحات و سازهای موسیقی، نام کتاب‌ها و نشریات، و فهرست گزینه نام گل‌ها. بسیاری از مواردی که در «فهرست اصطلاحات و واژه‌های نادر و ناشناخته» آمده، نه نادر است و نه ناشناخته. برای نمونه این موارد را تنها از بخش آ-ب می‌آورم: آبگیر، آبگون، آهخته، آهو پرواز، آهوچشم، آهو دو، آهوکان، ابرسیر، افسونگری، امرد، بادآورد، بادپا، باد شبگیری، بادگذر، باده، باده‌نوشین، بارکش، بارگیر، باره‌فکن، بازدار، باژگونه، بامشاد، ببرجه، ببردو، بت‌رویان، بچرد، بچگان، بچمد، بخل‌کش، بدره‌شکاف، برفشان، برنا، برنواز، بریشم، بفرز، بفروز، بلبل‌قوال، بلبلکان، بلبل‌کوهی، بوستان‌افروز، بی‌خار، بیدادکن، بیدبُن، بی‌دلکان و بیمارپرس (ص ۲۹۱-۲۹۲).

از میان این فهرست‌ها «فهرست گزیده نام گل‌ها» بسیار بی‌فایده است. برای دیوانی چون دیوان منوچهری دامغانی، با آن همه اشارات زیبا و منحصره‌فرد به گل‌ها و گیاهان، آوردن تنها یازده عنوان ذیل این فهرست چه سودی برای خواننده خواهد داشت (نک. ص ۳۱۳)؟ آیا با افزودن قید «گزیده» به عبارت «فهرست نام گل‌ها» می‌توان این عیب را پنهان ساخت؟ نیز در همین فهرست کوتاویازده‌موردی، دو اشتباه می‌توان دید:

پرنندگان نیز برای دیوان منوچهری کاملاً ضروری است.

منابع

- منوچهری دامغانی. دیوان. دستنویس شماره ۲۶۷۴/۲ کتابخانه مجلس کتابت ۱۲۶۰ ق.
- _____ . دیوان. دستنویس شماره ۲۶۱۸۶ کتابخانه ملی و مرکز اسناد جمهوری اسلامی ایران کتابت ۱۲۶۹ ق.
- _____ (۱۳۹۲). دیوان. به تصحیح حبیب یغمایی، به کوشش و مقدمه سید علی آل داود. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- _____ (۱۳۸۱). دیوان. به کوشش سید محمد دبیرسیاقی. تهران: زوار.

یکی آنکه «گلچگان» که در این فهرست آمده، جزء نام گل‌ها نیست و دیگر اینکه نه تنها منوچهری هیچ‌گاه از گلی به نام «دور» نام نبرده است، بلکه گلی با این نام اصلاً وجود ندارد. گردآورنده با استناد به بیت

گل زرد و گل دور و گل سرخ و گل نسرین
ز درد و داغ دادستند ما را خط استغنی

(ص ۱۹۰، بیت ۱۱)

این نام را آورده است؛ در حالی که در خوانش بیت مورد بحث دچار اشتباه شده و «گل دورو» (= گل دورویه) را به صورت «گل دور و» به چاپ رسانده است.

افزون بر اینها باید گفت که تهیه فهرستی از نام حیوانات و

شده‌اند، در بسیاری از موارد، آکنده از روایت‌های برساخته و جانب‌دارانه هستند. الهادی در ضمن این مقاله به نقد برخی از آراء طرح شده در کتاب دین و دولت در ایران عهد مغول، نوشته دکتر شیرین بیانی، پرداخته و آن را تحت تأثیر روایت‌های نامعتبر شامی / مصری دانسته است.



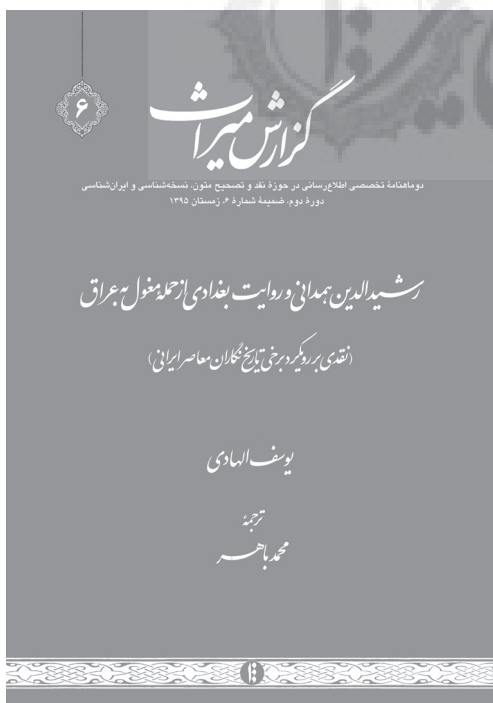
ضمیمه‌های گزارش میراث

رشیدالدین همدانی و روایت بغدادی از حمله مغول به عراق
(نقدی بر رویکرد برخی تاریخ‌نگاران معاصر ایرانی)

یوسف الهادی

ترجمه

محمد باهر



این اثر ترجمه‌ای است از مقاله‌ای به زبان عربی با عنوان «رشیدالدین یعمد الروایة البغدادیة فی أخبار الغزو المغولی للعراق». نویسنده در این مقاله بر آن است که رشیدالدین همدانی رویدادهای مربوط به حمله مغول به عراق را بر پایه روایت تاریخ‌نگاران بغدادی، که در آن روزگار می‌زیسته‌اند و روایت آنان از منابع دست اول و اصیل به‌شمار می‌رود، استوار ساخته است، در حالی که منابع متأخری که از سوی تاریخ‌نگاران شامی / مصری نگاشته